

دوفصلنامه حقوق عمومی عدالت
سال اول - شماره یک، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

تحلیل رژیم حقوقی میادین مشترک
حسین عبدی^۱ علیرضا باریکلو^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۰۵

چکیده

میادین مشترک بخشی از منابع طبیعی هستند که در ساختار طبیعت از مرزهای زمینی و دریایی تعیین شده به وسیله حاکمیت سیاسی عبور می کنند و امتداد آنها در قلمرو کشور دیگر وارد می شود. برای مفهوم سازی، از اصطلاحاتی چون منابع طبیعی فراملی یا منابع طبیعی بین المللی کاربرد دارد. این واژگان صرفاً برای منابع طبیعی موجود در نقاط صفر مرزی فیما بین کشورها که محل اختلاف آنها واقع شده کاربرد دارد. گرچه از منظر قواعد حقوقی حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی، و میادین مشترک واقع در فلات قاره مورد شناسائی و رسمیت یافته است اما در خصوص منابع طبیعی و میادین مشترک بین کشورها، خلاءهای حقوقی و مالکیتی موجود است. با وجود این دامنه اختلاف، رویه دولت های دخیل در موضوع، و نیز نهادها و مراجع بین المللی و دکترین حقوقی حاکی از وجود یک قاعده حقوقی شکلی بر مبنای همکاری کشورهای مرتبط در بهره برداری مطلوب از این منابع است. منابع مشترک طبیعی در مرزهای ایران موجود بوده که متأسفانه این میادین به طور یکجانبه مورد بهره برداری قرار می گیرد که منافع اقتصادی و سیاسی ایران را مورد تهدید قرار داده و در این خصوص خلاءهای قانونی وجود دارد.

واژگان کلیدی: منابع طبیعی، میادین مشترک، نفت و گاز، یکی سازی، حدود دریایی

۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی haabdi@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی و استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه:

یکی از عرصه‌های اختلاف کشورهای جهان، اختلاف مرزی در مناطق دریایی و نیز مرزهای زمینی است که به صورت بالقوه باعث تهدید صلح و امنیت بین‌المللی می‌گردد. هر چند در روی زمین مرزهای بین‌المللی که در عرف و حقوق بین‌الملل با توجه به پیشرفت فناوری و ابزار آلات موجود بویژه نقشه‌های هوائی و ماهواره‌ای کاملاً مشخص گردیده است ولی این مشکل در حوزه مرزهای دریایی به علت عدم تحدید حدود دریایی فی نفسه موجب تعارض ادعاها و تداخل حاکمیت کشورها شده و راه را برای بروز و ظهور مناقشات سیاسی و بدنبال آن ورود به اقدامات نظامی هموار می‌سازد. که نمونه آن در دو دهه گذشته حمله نظامی عراق به ایران و کویت بوده است. ایران در ۴ منطقه و به گفته برخی منابع دیگر در ۳ منطقه دارای میداین مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه خود است که برای برداشت از این میداین درگیر رقابتی نفس‌گیر با رقبای منطقه‌ای است. دسته نخست این میداین مشترک میداین‌های هیدروکربونی هستند که در خلیج فارس واقع شده‌اند.

میدان پارس جنوبی و ۱۲ میدان نفتی و گازی مشترک با کشورهای قطر، عمان، امارات، کویت و عربستان در این دسته قرار دارند.

در مرزهای خشکی و خاکی کشور که از ۷۰ سال قبل مورد مطالعه و شناسایی قرار گرفته‌اند، میدان بزرگ نفتی نفت شهر در استان کرمانشاه واقع شده که فعلاً مهمترین میدان بزرگ نفتی مشترک در حوزه غرب و جنوب غرب با کشور عراق می‌باشد و ۳۰ چاه فعال در آن قابلیت بهره‌برداری داشته و دارند البته غیر از آن با کشف میدان بزرگ نفتی و گازی آزادگان در دارخوین، بنابر نظریه کارشناسان امتداد این میدان عظیم در طول مرزها نیز امکان‌پذیر است. میدان یادآوران البته ۵ مخزن نفتی مشترک دیگر شامل میدان دهلران، پایدار غرب و میدان گازی بیجار در ایلام نیز در طول حوزه گستردگی میدان را شامل می‌شود.

دسته سوم میادین مشترک دریای خزر می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها، میدان مشترک البرز است که ایران و جمهوری آذربایجان در آن شریک بوده و بنا به برآورد نظریه کارشناسان تنها ۲۰٪ این میدان مشترک محسوب می‌شود.

دسته چهارم، از میادین مشترک که در شمال شرق کشور واقع شده میدان نفتی و گازی گنبد می‌بوده که با کشور ترکمنستان مشترک می‌باشد.

در این مقاله سعی شده است ضمن شناسایی و معرفی مطلوب حوزه‌های منابع عظیم نفتی و گازی مشترک، معاهدات و تفاهم نامه‌های موجود از منظر حقوقی و سازگار با عرف و قواعد حقوقی و حقوق بین‌الملل مورد توجه واقع شود.

۱. دریای خزر و حوزه‌های مشترک: رعایت اصل انصاف (Equity) در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر مورد توجه بویژه از جانب ایران بوده وهست. قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ فیما بین دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی ناظر بر تمامی گستره و صحنه دریا، بدون توجه به طول ساحل این دو کشور می‌باشد.

بنا به برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا ذخایر اثبات شده حوزه دریای خزر شامل ۲۹۲ میلیارد بشکه نفت و ۴۸ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی است. برای اولین بار روس‌ها میدانی در نواحی کم عمق نزدیک به نفتانی نفتینه کامنی دست به استخراج زدند که نتایج مطلوبی به بار داشت و آن تبدیل به یکی از غنی‌ترین حوزه‌های نفتی در سال ۱۹۴۵ در جهان شد.

با توجه به عناصر مشترک در تعاریف حقوقدانان می‌توان گفت که توسعه مشترک، مفهومی است ناظر به اکتشاف و استخراج اشتراکی بین دولت‌ها بر مبنای توافق و در ارتباط با یک منطقه تعریف شده که چارچوب حقوقی آن، توافق و قرارداد بین دولت‌های ذی‌ربط (نه شرکت‌ها و دولت‌ها و نه شرکت‌ها با یکدیگر) می‌باشد و قرارداد بین دولت‌ها در وهله اول محدوده منطقه را تعریف و سهم هر دولت و چگونگی عملیات اجرایی بهره‌برداری را تعیین می‌کند. کاربرد این مفهوم بیشتر ناظر بر مناطق اختلافی و مناطق فاقد

تحدید حدود مرزی می‌باشد (Ong, 2002, p.90). توسعه مشترک می‌تواند به اشکال مختلف (کاشانی، ۱۳۸۷، صص ۱۸۳ - ۱۷۹) از قبیل مدل یک دولتی^۱ مدل سیستم اجباری مشارکت انتفاعی^۲ و مدل مقام مشترک^۳ می‌باشد. این تقسیم بندی بر مبنای روش عملیاتی توسعه مشترک صورت گرفته است (Sookyeon, 2009, p.1)

در مدل یک دولتی، یکی از دولت‌ها به نمایندگی سایر دولت‌های ذینفع مبادرت به مدیریت و توسعه میادین نفت و گاز در منطقه خود را اختلاف می‌کند و به میزان هزینه‌های صورت گرفته منابع حاصله را نیز تقسیم می‌نماید (Sookyeon, 2009, p.1). در مدل سیستم اجباری مشارکت انتفاعی، دولت‌های مربوطه یک نهاد مشارکت انتفاعی جهت توسعه مشترک در منطقه خاصی ایجاد می‌نمایند، یا اینکه با توافق دولت‌ها، شرکت‌های نفتی و یا اشخاص حقیقی و حقوقی دو کشور مبادرت به ایجاد چنین سیستمی می‌نمایند (Sookyeon, 2009, p.1).

در مدل مقام مشترک، دولت‌های مربوطه یک نهاد از قبیل کمیسیون مشترک یا مقام مشترک توسعه یا یک سازمان ایجاد می‌نمایند. این سازمان متشکل از نمایندگان هر دو کشور و دارای شخصیت حقوقی است و اعطای کلیه حقوق و امتیازات بهره‌برداری به شرکت‌های بهره‌بردار را انجام می‌دهد و نظارت عالی بر اعمال بهره‌برداری را نیز عهده دار می‌باشد (Ong, 1999, p.211). در موافقتنامه توسعه مشترک^۴ که اجازه می‌دهد میادین نفتی واقع در منطقه جغرافیایی مورد اختلاف میان کشورها، با همکاری آنها توسعه یابد، (Ong, 1999, pp.771-3) یک منطقه توسعه مشترک^۵ تعریف می‌شود که در آن علی‌رغم اختلاف دولت‌ها در اعمال حاکمیت و تحدید حدود دریایی، در قالب یک ساز و کار موقت، توسعه مشترک میادین نفت و گاز صورت می‌پذیرد. این موافقتنامه‌ها، به عنوان راه حل

-
1. Single State Model
 2. Compulsory Joint Venture System Model
 3. Joint Authority Model
 4. Joint Development Agreement (JDA)
 5. Joint Development Zone (JDZ)

نهایی تحدید حدود در نظر گرفته نشده و خدشه‌ای به حقوق و مواضع طرفین در موضوع تحدید حدود وارد نمی‌سازند و در واقع یکی از مصادیقی هستند که در مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به آنها اشاره شده است (Gao, 1998, p. 114). یکی‌سازی ناظر به مواردی است که میدان نفت و گاز در مناطق مرزی دو یا چند کشور قرار داشته و این کشورها مبادرت به تحدید حدود مرزی نموده باشند. به عبارت دیگر میدان نفت و گاز در قسمت تحتانی خطوط تعریف شده مرزی بین کشورها در مناطق خشکی یا دریایی قرار گرفته باشد (Weaver and Asmus, 2006, p. 14)، به عبارت دیگر، یکی‌سازی فرامرزی ناظر به مواردی است که میدان نفت و گاز در مرز مشترک بین دو یا چند کشور باشد، مرزهای کشورهای موصوف تعریف و تحدید شده بوده و میدان نفت و گاز مذکور کشف شده و حدود و ثغور این میدان نیز معلوم و مشخص باشد. علاوه بر آن، کشورهای ذی‌نفع در خصوص موضوعات خاص مدنظر خود در ارتباط با توسعه میدان نفت و گاز مذکور، از طریق یک معاهده یا موافقتنامه همکاری می‌کنند. هر یک از دولت‌ها در قسمت تحت حاکمیت خود اعمال حاکمیت می‌نماید، اما بهره‌برداری از میدان به وسیله گروهی از شرکت‌ها یا اشخاص دارای امتیاز صورت می‌گیرد که این گروه بر اساس یک قرارداد و در چارچوب یک طرح واحد فعالیت می‌کنند (Onorato, 1981, pp. 1311-1312). علاوه بر موافقتنامه‌های دو جانبه، مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در ارتباط با تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره از دولت‌ها می‌خواهد که در موارد اختلاف در تحدید حدود دریایی، با حسن نیت در قالب اقدامات موقت با ماهیت عملی و بدون خدشه به حقوق خود در موافقتنامه نهایی تحدید حدود، با یکدیگر همکاری کنند و از هر اقدامی که باعث به مخاطره افتادن توافق نهایی آنها شود، اجتناب کنند. مفهوم همکاری و منع اقدامات یک‌جانبه در بهره‌برداری از میادین طبیعی مشترک مورد توجه مراجع حل و فصل اختلافات بین‌المللی نیز قرار گرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای فلات قاره دریای شمال، قضیه فلات قاره دریای اژه و فلات قاره

لیبی و تونس به این موضوع توجه نشان داده و گرچه به طور مستقل به آن پرداخته و ماهیت عرفی آن را تأیید ننموده، اما به بیان‌های مختلف رویه عملی دولت‌ها را مد نظر قرار داده است.

در داوری‌های بین‌المللی نیز چون داوری اریتره و یمن و داوری گویان و سورینام و همچنین پیشنهادهای کمیسیون مشورتی ایسلند و نروژ به نحو تفصیلی به این مسئله پرداخته شده که تحلیل آرای این مراجع در این مقال نمی‌گنجد. اجمال سخن در این آراء، لزوم همکاری دولت‌ها در بهره‌برداری از این منابع در پرتو مذاکره جهت نیل به توافق و ضرورت خودداری از اقدامات یک‌جانبه است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه‌هایی چون منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها (۳۲۸۱)، قطعنامه همکاری زیست محیطی در رابطه با منابع طبیعی مشترک (۳۱۲۹)، قطعنامه مجمع عمومی در خصوص اصول راهنمای برنامه محیط زیست ملل متحد در خصوص منابع طبیعی مشترک (۳۴/۱۸۶)، قطعنامه مجمع عمومی در خصوص اعلامیه کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست انسانی (۲۹۹۴)، بر اصولی چون لزوم همکاری دولت‌های ذی ربط در بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک و اجتناب از ورود خسارت‌های زیست محیطی فرامرزی در بهره‌برداری از این منابع تأکید کرده است. در دکترین حقوقی بین‌المللی نیز اگر چه برخی از نظریه پردازان با اتکا به قاعده حیازت^۱، معتقد به مجاز بودن بهره‌برداری یک‌جانبه از این منابع می‌باشند، اما مخالفان این نظریه معتقد به فقدان جایگاه قاعده مذکور در حقوق بین‌الملل بوده و با توجه به فقدان نمونه‌های روشن در عمل به قاعده حیازت در حقوق بین‌الملل و رویه دولت‌ها بر این باورند که امروزه در حقوق بین‌الملل یک اصل کلی عرفی مبنی بر همکاری در خصوص بهره‌برداری از میادین مشترک وجود دارد. این اصل به وسیله دولت‌های تولیدکننده نفت و سیستم حقوقی داخلی آنها به کار رفته و به عنوان یک اصل کلی حقوق بین‌الملل به

1. Rule of Capture

رسمیت شناخته شده است (Ong, 1999, p.801). از سوی دیگر اصول کلی حقوقی مانند اصل حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها، اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی و اصل منع سوء استفاده از حق، مانع از آن می‌شوند که یک دولت بتواند بدون توجه به حقوق و منافع دولت دیگر از این منابع به شکل یک جانبه بهره‌برداری نماید. با مطالعه معاهدات چند جانبه و دوجانبه و رویه قضایی و قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توان گفت که عمل یک جانبه در استخراج نفت و گاز در یک طرف خط مرزی توسط یک دولت به جهت نقض حاکمیت دولت دیگر ممنوع است. اقدامات اکتشافی که باعث خدشه به روند توافق نهایی شود، به صورت یک جانبه توسط یکی از طرفین ممنوع بوده و می‌باید مسبوق به مشاوره و اطلاع‌رسانی قبلی باشد. در صورت کشف میادین مشترک در مناطق دارای تحدید حدود یا کشف میادین در مناطق مورد اختلاف هر یک از طرفین می‌باید موضوع را به طرف دیگر اطلاع دهد و در مورد بهره‌برداری از آن با دیگری مشورت نماید. هر دولت ملزم است با طرف مقابل به شکل واقعی با حسن نیت برای حصول توافق در مورد بهره‌برداری از این میادین مذاکره کند، مادام که مذاکره به نتیجه نرسیده است، عمل یک جانبه و جاهت ندارد (Ong, 1999, p. 802).

بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز منوط به تحدید حدود نبوده و طرفین یک اختلاف مرزی دریایی باید در قالب ساز و کارهای موقت در جهت نیل به توافق مذاکره کنند. لازم است هر یک از دولت‌ها در محدوده صلاحیت ملی خود به گونه‌ای رفتار کنند که باعث ورود آسیب‌های زیست محیطی در قلمرو دولت دیگر نشود. به عبارت دیگر بهره‌برداری از این میادین می‌باید با لحاظ کردن الزامات زیست محیطی بوده و طرفین در این زمینه مشورت کنند (Onorato, 1977, pp. 329 – 330). بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز صرفاً بر مبنای توافق دو جانبه امکان‌پذیر است و رویه دولت‌ها به شکل گسترده و منسجم و هماهنگ به نحوی که حکایت از وجود یک قاعده عرفی همکاری در اکتشاف این منابع باشد، وجود دارد (Lagoni, 1979, p. 233).

۳- موقعیت و اهمیت منابع نفت و گاز خلیج فارس

خلیج فارس با هشت کشور ساحلی در گوشه شمال غربی اقیانوس هند قرار دارد. ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، عمان، قطر، بحرین و امارات متحده عربی کشورهای ساحلی خلیج فارس هستند. طول خلیج فارس از دهانه اروند رود تا تنگه هرمز ۶۱۵ مایل (۹۸۹ کیلومتر) بوده و عرض پهن ترین قسمت آن ۲۱۰ مایل (۳۳۶ کیلومتر) و باریک ترین قسمت آن در تنگه هرمز ۳۵ مایل می باشد. آب های خلیج فارس به طور تقریبی کم عمق و دارای متوسط عمق ۹۰ متری می باشند. از آنجا که عرض خلیج فارس در هیچ نقطه ای به بیش از ۴۰۰ مایل دریایی نمی رسد، تمام فلات قاره این پهنه آبی در محدوده صلاحیت ملی کشورها قرار داشته و کشورهای ساحلی دارای فلات قاره مشترک هستند. بنابراین می توان گفت که بستر و زیر بستر دریا در خلیج فارس تداوم طبیعی سرزمین اصلی کشورهای ساحلی بوده و فلات قاره آنها را تشکیل می دهد (Dehghani, 2009, pp.2-4). از سوی دیگر، غنی ترین ذخایر نفت و گاز جهان در خلیج فارس واقع شده اند؛ بزرگ ترین میدان نفتی جهان یعنی السفانیه، متعلق به عربستان سعودی و بزرگ ترین میدان گازی جهان یعنی پارس جنوبی در فلات قاره خلیج فارس قرار دارد و از حیث مساحت فلات قاره خلیج فارس دارای رتبه اول جهان، دریای شمال رتبه دوم و خلیج مکزیک حائز رتبه سوم می باشد (توازن و نجومی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳). خلیج فارس از نظر توصیف حقوقی مصداق دریای نیمه بسته به نحو مقرر در ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست، زیرا از طریق تنگه هرمز به دریای آزاد متصل می گردد (Gieger, 1990, p. 295). اکثر کشورهای ساحلی خلیج فارس، عضو این کنوانسیون هستند. بحرین در ۳۰ مه ۱۹۸۵، کویت در ۲ مه ۱۹۸۶، عمان در ۱۷ اوت ۱۹۸۹، عربستان سعودی در ۱۴ آوریل ۱۹۹۶، عراق در ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۵ و قطر در ۹ دسامبر ۲۰۰۲ این کنوانسیون را تصویب کرده اند. ایران و امارات متحده عربی کنوانسیون مذکور را امضا کرده، اما تاکنون به تصویب نرسانده اند.

۴- میادین مشترک نفت و گاز در موافقتنامه‌های دو جانبه تحدید حدود کشورهای ساحلی خلیج فارس

بستر دریا در خلیج فارس دارای دو ویژگی کم نظیر است: از یک سو این منطقه سرشار از منابع غنی نفت و گاز و سایر منابع معدنی می‌باشد و از سوی دیگر، عرض دریا در آن اندک است. در چنین شرایطی در بسیاری از موارد میادین نفت و گاز از مرزهای دریایی تعریف شده توسط کشورها عبور می‌کند و موضوع صلاحیت و حاکمیت بیش از یک کشور قرار می‌گیرد و در مواردی که محدوده دریایی بین کشورها فاقد تحدید حدود دریایی است، عرصه مناسبی برای طرح ادعای حاکمیت و تعارض و تقابل منافع پدید می‌آید. در پرتو این حقایق، کشورهای ساحلی خلیج فارس مبادرت به تحدید حدود مناطق دریایی در قالب موافقتنامه‌های دو جانبه کرده‌اند. در برخی از این موافقتنامه‌ها، ضمن تعیین خط مرزی بین دو طرف، به موضوع بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره و چگونگی مواجهه با پدیده میادین مشترک نفت و گاز پرداخته شده است که به آنها اشاره می‌شود.

۴-۱- موافقتنامه عربستان سعودی - کویت

در سال ۱۹۲۲، بین کویت و ولایت نجد یا عربستان سعودی فعلی، معاهده مرزی الاکیر^۱ منعقد شد که ناظر به تحدید حدود مرز خشکی بین دو کشور بود (U.S. International Boundary Study, 1970, p. 3) در این معاهده منطقه‌ای که براساس ذکر مناطق خاص جغرافیایی تعریف شده و در قسمت جنوبی کویت قرار دارد، به عنوان منطقه بی‌طرف^۲ یا حائل اعلام و مقرر شد کویت و نجد دارای حقوق مساوی در آن باشند و دولت انگلستان بر اساس حسن نیت در جهت نحوه بهره‌برداری و استفاده از آن توسط کویت و عربستان بر مبنای توافق طرفین تلاش نماید. در واقع اگر چه در این معاهده مقرر شده بود که در آینده دو کشور در مورد تقسیم این منطقه بی‌طرف توافق نمایند، اما مذكرات در مورد

1. Al - Uqair.

2. Neutral zone.

تعیین تکلیف آن حدود ۴۰ سال طول کشید و سرانجام در هنگام سفر امیر کویت به ریاض در سال ۱۹۶۰ توافق در مورد تقسیم این منطقه حاصل شد. در سال ۱۹۶۱ اعضای کمیسیون مشترک پیشنهادهای خود را تسلیم مقامات نمودند. در سال ۲۰۰۰ موافقتنامه تحدید حدود دریایی در مناطق مجاور منطقه تقسیم شده بین عربستان و کویت منعقد شد.

۴-۲- موافقتنامه بحرین - عربستان سعودی

این موافقتنامه که در ۲۲ فوریه ۱۹۵۸ بین دو دولت منعقد و در مقدمه آن به اعلامیه‌های دو کشور در سال ۱۹۴۹ در مورد اکتشاف منابع بستر دریا اشاره شده، ناظر به تحدید حدود مرز دریایی بین دو کشور بوده و در ماده یک آن ۱۶ نقطه جغرافیایی تعریف و حدود آنها معین گردیده است - (Bahrain Saudi Arabia Boundary Agreement, 1958).

۴-۳- موافقتنامه قطر - ابوظبی

این موافقتنامه در ۲۹ مارس ۱۹۶۹ بین قطر و ابوظبی منعقد شد. در ماده ۴ آن مرز دریایی قطر و ابوظبی بر اساس نقاط مشخص و بر مبنای طول و عرض جغرافیایی تعریف شده است.

۴-۴- موافقتنامه تحدید حدود ایران - عربستان سعودی

این موافقتنامه در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ هجری شمسی) بین دو کشور ایران و عربستان سعودی منعقد شد و طولانی‌ترین خط تحدید حدود دریایی در فلات قاره را که دارای ۱۲۰ مایل طول و ۹۳ تا ۱۳۵ مایل عرض است، در بر می‌گیرد. اسناد تصویب این موافقتنامه در ۲۹ زانویه ۱۹۶۹ مبادله شد. قانون تصویب موافقتنامه حاکمیت بر جزایر فارسی و عربی و تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان در یازدهم آبان ۱۳۴۷ به تصویب مجلس سنا و یک روز بعد به تصویب مجلس شورای ملی رسید (www.tarh.Meilis.ir) این موافقتنامه مشتمل بر مقدمه و ۵ ماده و دو نامه ضمیمه و یک نقشه است.

ماده ۴ این موافقتنامه می‌گوید: «هر یک از طرفین موافقت می‌نماید که در داخل منطقه‌ای به عرض ۵۰۰ متر از خط مرزی مشروحه در ماده ۳ و در امتداد خط مزبور در نواحی

تحت‌البحری سمت مربوط به او عملیات حفاری نفتی رأساً و یا به وسیله مقامات مجاز از طرف او انجام نگیرد. منطقه مذکور مرزی اندازه‌گیری خواهد شد.»

ضمیمه شماره یک موافقتنامه مذکور اسناد مبادله شده بین وزیر نفت عربستان سعودی و رئیس هیأت مدیره شرکت ملی ایران است که به عنوان جزئی از موافقتنامه به تصویب دو دولت رسیده و در واقع به منزله توافق دو دولت می‌باشد، مقرر می‌دارد: «عملیات حفاری نفتی که انجام آن به موجب ماده ۴ موافقتنامه در نامه مشروحه در ماده مذکور ممنوع اعلام گردیده است شامل عملیات بهره‌برداری مستقیم از این ناحیه ممنوعه و همچنین، شامل کلیه عملیات حفاری که ممکن است در ناحیه ممنوعه از تأسیسات منصوبه در خارج ناحیه ممنوعه، انجام شود، خواهد بود.» «اصطلاح عملیات حفاری نفتی به طوری که در ماده ۴ موافقتنامه به کار رفته است، ناظر بر حفاری برای نفت و گاز خواهد بود.»

در خلال مذاکرات تحدید حدود بخش شمالی منطقه موضوع مذاکره یکی از پیچیده‌ترین مباحث بود، چرا که جزیره ایرانی خارک و حوزه نفتی مرجان در این بخش قرار داشت. ایران معتقد بود خط منصف باید به نحوی ترسیم شود که تأثیری در جزیره خارک نداشته باشد و جزیره خارک جزو سرزمین اصلی ایران قلمداد شود. (Dehgani, 2009, p. 124).

موافقتنامه ایران و عربستان سعودی فاقد تعهد ایجابی همکاری است. هیچ‌گونه ساز و کار ناظر بر توسعه مشترک میادین نفت و گاز در مناطق مرزی دریایی مورد توافق قرار نگرفته است. تنها نکته معطوف به روح همکاری در این سند تعیین منطقه ممنوعه و لزوم اجتناب طرفین از حفاری انحرافی است.

۴-۵- موافقتنامه ایران - شارجه

در سال ۱۹۷۱ پس از مذاکرات طولانی میان انگلستان و ایران، از آنجا که جزایر تنب در قسمت شمالی خط میانه خلیج فارس قرار داشتند، دولت بریتانیا به صورت شفاهی موافقت خود را با اعاده حاکمیت ایران بر این جزایر اعلام کرد (جالینوسی و براری، ۱۳۸۶، ص ۵۰). اما در مورد ابوموسی در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ بین ایران و حاکم شارجه موافقتنامه‌ای امضا شد. در این موافقتنامه هیچ یک از طرفین ادعای طرف مقابل را در مورد حاکمیت این

جزیره به رسمیت شناخته است. در عین حال کنترل و تصرف جزیره توسط دو طرف و نیز شناسایی آب‌های سرزمینی ۱۲ مایلی (مطابق قانون آب‌های سرزمینی ایران) پذیرفته شده است. ماده ۵ موافقتنامه مقرر می‌دارد: «استخراج منابع نفت و ذخایر زیرزمینی در زیر گستره آب‌های کرانه ابوموسی که در چارچوب قرارداد موجود میان شارجه و شرکت نفت و گاز بیوتس صورت می‌گیرد، باید از سوی ایران به رسمیت شناخته شود. نیمی از درآمد نفتی دولتی از استخراج این منابع باید مستقیماً از سوی شرکت یاد شده به دولت ایران پرداخته شود و نیمی دیگر به شارجه تعلق می‌گیرد.»

۴-۶- موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره ایران - عمان

از آنجا که دو کشور ایران و عمان دارای سواحل مقابل می‌باشند، قاعده عرفی تقسیم فلات قاره بر اساس خط متساوی الفاصله قابل اعمال است (Dehgani, 2009, p. 130). مذاکرات دو دولت ایران و عمان در مورد تحدید حدود مناطق دریایی خود در سال ۱۹۷۱ آغاز و منجر به انعقاد موافقتنامه ای در ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۴ شد. قانون موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره بین دولت ایران و عمان در ۲۶ آبان ۱۳۵۳ به تصویب مجلس شورای ملی و در شانزدهم دی ماه همان سال به تصویب مجلس سنا رسید (www.Tarh.Mejlis.ir). طبق ماده یک این موافقتنامه خط مرزی فلات قاره بین دو کشور بر اساس مختصات طول و عرض جغرافیایی تعیین شده است. اگر چه بین ایران و عمان موافقتنامه مستقلاً در مورد میادین مشترک نفت و گاز منعقد نگردیده، در عین حال ماده ۲ این موافقتنامه که حاوی شرط مخزن مشترک می‌باشد.

۴-۷- موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره ایران - بحرین

در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۱ موافقتنامه تحدید حدود دریایی ایران و بحرین امضا و اسناد تصویب مبادله و از تاریخ ۱۴ مه ۱۹۷۲ لازم الاجرا گردید. در آن زمان هیچ یک از دو دولت عضو کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو نبودند. قانون موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره بین ایران و بحرین در بیستم دی ۱۳۵۰ به تصویب مجلس سنا و در سوم اسفند همان سال به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در ماده یک موافقتنامه مذکور خط مرزی تعریف کننده فلات قاره بر

اساس مختصات طول و عرض جغرافیایی تعریف شده است. در ماده ۲ این موافقتنامه، به طور کامل و دقیق حکم مذکور در ماده ۲ موافقتنامه تحدید حدود ایران و عمان تکرار شده و طرفین متعهد به خودداری از انجام عملیات حفاری انحرافی در فاصله ۱۲۵ متر از دو طرف خط مرزی و تلاش در جهت حصول توافق در زمینه بهره‌برداری هماهنگ یا یکی‌سازی میادین مشترک شده‌اند.

۴-۸- موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره ایران - قطر

این موافقتنامه در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۷ هجری شمسی) به تصویب مقامات دو کشور رسید و اسناد آن در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۸) مبادله شد. قانون موافقتنامه راجع به خط مرزی حد فاصل فلات قاره بین ایران و قطر در سال ۱۳۴۸ به تصویب مجلس سنا و مجلس شورای ملی رسید. ماده یک از سند خط مرزی فلات قاره بین دو کشور را مشخص می‌کند و در ماده ۲ این موافقتنامه، تعهداتی دقیقاً منطبق با تعهدات مندرج در ماده ۲ موافقتنامه های تحدید حدود دریایی ایران و بحرین و ایران و عمان، در رابطه با مخازن مشترک نفت و گاز درج شده است. با وجود انعقاد این موافقتنامه ها، تاکنون رژیم بهره‌برداری مشترک بین ایران و همسایگان آن اجرا نشده است. این در حالی است که حدود ده میدان مشترک نفت و گاز بین ایران و کشورهای مجاور آن در خلیج فارس وجود دارد.

۵- میادین مشترک ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس؛ مطالعه موردی میادین پارس جنوبی و سلمان

در مورد تعداد میادین مشترک نفت و گاز ایران در خلیج فارس در بین کارشناسان اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف به دلیل آن است که به دلایل فنی و زمین شناسی مشترک بودن برخی از میادین محل تردید بوده و اظهار نظر قطعی در این زمینه منوط به تکمیل مطالعات اکتشافی در آینده است. در عین حال مشترک بودن تعدادی از میادین به طور قطعی و مسلم اثبات گردیده است. ایران در مناطق خشکی مرزی دارای میادین مشترک نفت و گاز همانند میادین نفت شهر، دهلران، پایدار غرب، آزادگان، یادآوران (مشترک با عراق) و میدان گازی گنبدلی (مشترک با ترکمنستان) می‌باشد و در خلیج

فارس نیز میدین فروزان (مشترک با عربستان سعودی)، آرش (مشترک با کویت)، اسفندیار (مشترک با عربستان سعودی)، نصرت (مشترک با امارات متحده عربی)، مبارک (مشترک با امارات)، هنگام (مشترک با عمان)، سلمان (مشترک با امارات)، فرزاد A و B، پارس جنوبی (مشترک با قطر) و فرزام (مشترک با امارات) می‌باشد. میدینی چون بلال، رشادت، اسفند و صالح جنوبی نیز به مناطق مرزی دریایی نزدیک هستند، اما تاکنون مشترک بودن آنها به اثبات نرسیده است (اسرافیلی دیزجی، www.Naftnews.ir).

۵-۱- میدان گازی پارس جنوبی

در سال ۱۹۷۴ شرکت شل که امتیاز بهره‌برداری نفت در حوزه‌های نفتی بوالحنین، عیدالشرقی و محزان را به دست آورده بود، در شمال غربی منطقه تحت امتیاز خود یک میدان گازی را کشف کرد. در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ تمرکز اولیه بر روی تولید آل. ان. جی از این میدان بود و ذخایر آن تا یکصد تریلیون فوت مکعب افزایش یافت.

میدان پارس جنوبی در قطر به نام میدان شمال غربی یا میدان گنبد شمالی خوانده می‌شود و از سال ۱۹۸۳ شرکت‌های غربی سرمایه‌گذاری در این میدان را آغاز کردند. شرکت‌های بکتل و تکنیپ از جمله این شرکت‌ها بودند. در سال ۱۹۹۲ از سوی قطر، پروژه ۱/۳ میلیارد دلاری توسعه این میدان آغاز شد. در نقشه‌های منتشر شده از سوی قطر، انتهای میدان مذکور تا مرز دریایی ایران ۵۰ کیلومتر فاصله داشت. در سال ۱۳۶۶ و پس از انتشار این نقشه، کارشناسان وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران، احتمال مشترک بودن میدان مذکور را مطرح کردند (کاشانی، ۱۳۸۸، صص ۵-۱۷۳). از این رو، ایران قراردادی با شرکت هلندی دلف جهت لرزه نگاری سه هزار کیلومتر از مرز آبی خود در خلیج فارس منعقد و پس از آن قراردادهایی با شرکت‌های جیکوپراکلا^۱ و وسترن جیکو^۲ جهت لرزه‌نگاری در میدان پارس جنوبی منعقد کرد و در سال ۱۳۶۶ رسماً کشف این میدان اعلام شد. پس از انجام مذاکراتی با شرکت‌های خارجی کنسرسیومی متشکل از چهار

1. Geco Pracia
2. Western. Geco

شرکت ساییم ایتالیا، تی. پی. آل ایتالیا، میتسویشی ژاپن و ماشین ایمپورت روسیه جهت توسعه این میدان منعقد و اولین قرارداد توسعه این میدان در سال ۱۳۷۱ به امضا رسید، اما این قرارداد در سال ۱۳۷۲ به دلایل نامعلوم فسخ شد. در سال ۱۳۷۳ شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) برای توسعه پارس جنوبی تأسیس شد و در خرداد ۱۳۷۷ شرکت نفت و گاز پارس جایگزین شرکت متن گردید. تولید ایران از میدان پارس جنوبی از سال ۱۳۸۱ به صورت تدریجی و با تعریف و توسعه فازهای مختلف آغاز شد. و پیش بینی می‌شد تا سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۴) کلیه فازهای آن به بهره برداری برسد. این در حالی است که قطر فقط تا سال ۱۹۹۴ حدود ۵ میلیارد فوت مکعب گاز این میدان بهره برداری کرده است. همچنین از ژانویه ۱۹۹۷ تا مه ۲۰۰۳ بیش از ۳۰ میلیون تن گاز مایع توسعه قطر برداشت شده است (کاشانی، ۱۳۸۸، ص ۸۷).

۵-۲- میدان سلمان

میدان نفتی سلمان (ساسان سابق) در سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴) توسط شرکت نفت لاوان کشف شده و در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) به بهره برداری رسیده است. این مخزن دارای یک طاق‌دیس نامتقارن به ابعاد ۱۱ در ۱۴ کیلومتر و دارای سه لایه نفتی می‌باشد. سه چهارم مساحت این میدان مشترک در آب‌های ایران و یک چهارم آن در آب‌های امارات متحده عربی واقع شده و سهم ایران از مخزن ۶۷/۱۴ درصد است. هفتاد درصد نفت این میدان از لایه عرب در عمق ۱۰ هزار پای بستر دریا برداشت می‌شود. در امارات متحده عربی این میدان به ابولبوخوش (البولبوکوش) معروف است و روزانه ۴۰ هزار بشکه نفت از ۷۰ حلقه چاه تولیدی آن استحصال می‌کند و در مجموع تاکنون ۴۰۰ میلیون بشکه نفت از آن برداشت کرده است (راستی، ۱۳۸۹، www.Shana.ir). این میدان دارای ۵۰۰ میلیون بشکه نفت قابل تولید و دارای ۵۱۱۸۳ میلیون متر مکعب گاز درجاست (اسرافیلی، دیزجی). با اجرایی شدن طرح توسعه این میدان، تولید ایران از آن به ۵۱ هزار بشکه در روز خواهد رسید (افشار نیک، www.Daneshnaft.ir).

۶- ارزیابی نحوه برداشت ایران از میادین مشترک.

یکی از مسائل مهم و مورد توجه در بهره برداری از مخازن، مدیریت صیانتی آنهاست که با هدف کاهش ریسک، افزایش تولید نفت و گاز، افزایش بازیافت و کاهش هزینه‌های تولید صورت می‌پذیرد (دانشفر، www.pina.ir). در این راستا شناخت مخازن و اثبات مدل و عملکرد آنها بر اساس روش‌های علمی، از مسائل بسیار مهم است. اگر چه در سال‌های اخیر اولویت سرمایه گذاری با میادین مشترک بود، اما نگاهی به وضعیت بهره‌برداری و تأخیر در مراحل مختلف کار از اکتشاف تا تولید، در مجموع باعث شده که روند بهره برداری به سود سایر کشورهای سهم در این میادین باشد. به طور کلی توسعه میادین نفت و گاز در مناطق دریایی، مستلزم سرمایه گذاری فراوان و برخورداری از دانش فنی مطلوب است. کشورهای همسایه ایران در خلیج فارس با بهره‌گیری از سرمایه شرکت‌های بین‌المللی و انعطاف پذیری سیاسی به طور روز افزون و با استفاده از دانش فنی روز جهان در حال بهره‌برداری از این میادین می‌باشند. ادامه روند و بهره‌برداری بی‌رویه یک جانبه این کشورها به مرور زمان باعث از بین رفتن توازن این میادین می‌شود (سلیمی بروجنی، www.Danesnaft.ir). از نظر فنی، برای عملیات حفاری و بهره‌برداری از یک مخزن نفت یا گاز شناسایی موقعیت کل مخزن و داشتن اطلاعات دقیق و محاسبه جزئیات ضروری است که این امر مستلزم تبادل اطلاعات میان طرفین است. در میادین مشترک ایران در خلیج فارس مسابقه حفاری از سوی همسایگان با شدت تمام در حال انجام است که صرف نظر از مضرات اقتصادی برای کشور به مرور زمان باعث نابودی ساختار مخازن می‌شود. مدیریت مطلوب میادین مشترک، نیازمند اعتماد سازی متقابل میان طرفین است به نحوی که بنا به اراده سیاسی طرف‌های ذینفع، اقدامات موقتی و دائمی جهت جلب اعتماد متقابل صورت گرفته و منافع اساسی طرفین تضمین گردد (خرازی، www.Assaluyeh.com). از نظر برداشت کمی از میادین مشترک نفت و گاز خلیج فارس می‌توان این گونه تصور کرد که اگر یک خط فرضی خلیج فارس را به قسمت شمالی و جنوبی تقسیم نماید، همسایگان ایران در مجموع ۹ برابر ایران از میادین مشترک نفت و

گاز بهره‌برداری می‌نمایند (جشن‌ساز، ۱۳۸۷، www.Mehrnews.com). قطع نظر از نحوه برداشت ایران از میادین مشترک خود در خلیج فارس، ارزیابی اقدامات کشورهای ساحلی خلیج فارس از منظر قواعد حقوق بین‌الملل و استخراج قاعده و رژیم حقوقی موجود در این منطقه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

نتیجه:

دریای خزر به عنوان بزرگترین دریاچه جهان با توجه به قراردادهای منعقد شده فی‌مابین کشورهای مجاور آن، و مالکیت تمامی سواحل جنوبی آن دریا به ایران باید برای بهره‌برداری از کف و منابع دریا، ضمن روشن نمودن تحدید موافقت‌نامه‌های قبلی بویژه تأثیر تاریخی آنها، رژیم حقوقی مناسبی را در اتخاذ یک رویه معقول همراه با حسن نیت و بطور مشترک با تکیه بر وضع زیست محیطی دریا، پیش گیرند، ایران در این میان نقش متمایزی را می‌تواند ایفا کند و آن را از چالش‌های موجود به یک فرصت مطلوب برای همکاری و ارتقاء توانمندی منطقه‌ای خود استفاده نماید.

خلیج فارس به لحاظ جغرافیایی به دلیل ارتباط طبیعی با دریای آزاد از طریق تنگه هرمز، دریای نیمه بسته است و قواعد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در مورد آن قابل اعمال می‌باشد. ماده ۱۲۳ این کنوانسیون، دولت‌های ساحلی دریای نیمه بسته را به همکاری در بهره‌برداری از منابع طبیعی توصیه می‌کند. دولت‌های ساحلی خلیج فارس، در قالب قوانین داخلی خود، مناطق دریایی مجاور سواحل خود را تقسیم کرده‌اند. رویه تمام دولت‌هایی که مبادرت به تحدید حدود دریایی نموده‌اند، پیروی از قاعده خط منصف در تحدید حدود می‌باشد.

موافقتنامه‌های حاوی شرط مخزن مشترک^۱ خلیج فارس ایراداتی دارند. اول اینکه در یک منطقه محدود در دو طرف خط مرزی تحدید حدود حفاری ممنوع شده و در خارج از منطقه مذکور این محدودیت وجود ندارد. دوم، حفاری منفع شده حفاری انحرافی

1. Common Deposits Clause

می‌باشد. بنابراین در صورتی که با پیشرفت فناوری بتوان از طریق حفاری عمود میادین را استخراج نمود، شامل ممنوعیت مذکور نمی‌شود. سوم، تعهد ایجابی طرفین در مورد میادین مشترک یا فرامرزی تعهد به تلاش در جهت بهره برداری با هماهنگی و یکی سازی میادین مذکور است. این تعهد کلی، محدوده تلاش، چگونگی انجام اقدامات عملی، حکم موضوع در صورت شکست مذاکرات و ضمانت اجرایی نقض این تعهدات را مشخص نکرده است. اگر چه می‌توان گفت که شرط مخزن مشترک در معاهدات مذکور مشابه این شرط در موافقتنامه های تحدید حدود دریایی در سایر مناطق جهان می‌باشد، ولی تاکنون و در عمل هیچ موافقتنامه یکی سازی یا توسعه مشترک در راستای عمل این شرط، بین ایران و همسایگان خود منعقد نشده است. برخی از میادین مشترک نفت و گاز در خلیج فارس در مناطق مورد اختلاف و فاقد تحدید حدود دریایی واقع شده‌اند. میادین مشترک بین ایران و کویت و ایران و امارات متحده عربی در این دسته قرار دارند. در حالی که بهره برداری یک جانبه از میادین مذکور توسط دولت‌های ذینفع تداوم دارد، این روند به نفع ایران نمی‌باشد. صرف نظر از وجود این مشکلات، سیستم کاربردی برای آن دسته از میادین مشترک که در محدوده وقوع آنها تحدید حدود دریایی صورت گرفته، مدل یکی سازی است. در این مدل پس از مشخص شدن سهم هر دولت در میدان شرکت‌های مجاز از سوی دو دولت کل میدان را به صورت یک میدان واحد تعریف کرده و در قالب یک قرارداد مشارکت در سرمایه گذاری، یک اپراتور واحد جهت بهره‌برداری از میدان ایجاد می‌کنند که شرکت‌های دو دولت به میزان سهم هر یک از دو دولت در این شرکت اپراتور واحد سهم هستند. هزینه‌ها به میزان سهم دولت‌ها درافت می‌گردد. دولت‌ها نیز می‌توانند یک نهاد مشترک ایجاد کنند که مبادرت به سیاستگذاری، نظارت، بازرسی، حسابرسی، انعقاد قراردادها، اصلاح قراردادها و اجرا بنماید و گزارش عملکرد سالانه خود را به مقامات صالحه دولت‌ها تقدیم نماید. در مورد میادین مشترک واقع در مناطق فاقد تحدید حدود دریایی همانند میادین مشترک با امارات متحده عربی (میادین مبارک، نصرت، و فرزام) و میدان آرش (مشترک با کویت)، مدل توسعه مشترک

مناسب است. کشورهای ایران، کویت و امارات متحده عربی می‌توانند در قالب مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به عنوان یک راه حل موقت و بدون لطمه به توافق نهایی خود در تحدید حدود دریایی، یک منطقه را به صورت کلی به عنوان منطقه توسعه مشترک تعریف کنند و در قالب یک موافقتنامه کلیه میادینی که در آینده فرامرزی بودن آنها ثابت می‌شود، به صورت اشتراکی توسعه دهند. دو دولت می‌توانند با یک شرکت قرارداد منعقد و آن شرکت از طرف دو دولت مبادرت به توسعه اشتراکی میدان نماید و پس از کسر هزینه‌ها، عواید هر دولت را به صورت وجه یا به شکل مواد هیدروکربنی پرداخت کند. این مدل در مورد برخی از میادین واقع در منطقه بی طرف بین عربستان و کویت اعمال شده است. همچنین هر یک از دولت‌ها می‌تواند یک شرکت را به دولت دیگر معرفی نماید و شرکت‌های منتخب، در قالب کنسرسیوم یا مشارکت شرکت ثالثی را ایجاد کرده و آن شرکت، به عنوان مجری عملیات، اقدام به بهره برداری نماید. نظارت دولت‌ها نیز در قالب نهادهایی چون مقام توسعه مشترک یا کمیسیون مشترک قابل تضمین می‌باشد.

منابع

۱. اسرافیلی دیزجی، بهروز، مخازن نفتی و گازی مشترک ایران با کشورهای همسایه در حوزه زاگرس.
۲. افشار نیک، مهدی، فرصت را غنیمت بشماریم، ضرورت تسریع در توسعه میدان مشترک نفت و گاز کشور، هفته نامه تخصصی فروش نفت.
۳. جالیانوسی، احمد و وحید براری آرابی، (آذر و دی ۱۳۸۶). جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک بخش‌های جدانشدنی از ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۲۴۴-۲۴۳.
۴. خدمتی، بهبود (مرداد ۱۳۸۸)، طرح توسعه فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی، نشریه تخصصی - فنی اکتشاف و تولید، شرکت ملی نفت ایران، شماره ۵۹.
۵. خرازی، رها، الگوی اعتمادسازی برای استفاده از منابع مشترک.
۶. دانشفر، محمدحسین، نگاهی به مدیریت و صیانت از مخازن نفت و گاز در کشور، پایگاه اینترنتی اندیشکده اعتلای صنعت نفت.
۷. دخانی، وحید (۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۸). وضعیت بهره برداری قطر از میدان گازی پارس جنوبی، پایگاه خبری تحلیلی اراده مردم.
۸. سلیمی بروجنی، مجید، جایگاه میدان مشترک نفت و گاز در برنامه‌های وزارت نفت، پایگاه اینترنتی.
۹. غیبی، رضا (پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۸)، کاهش روزافزون سهم ایران در میدان گازی سلمان، روزنامه سرمایه، پایگاه اینترنتی روزنامه سرمایه
۱۰. فصلنامه وزارت امور خارجه، از انتشارات وزارت امور خارجه
۱۱. فصلنامه قفقاز از انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۱۲. کاشانی، جواد (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز در مرز بین کشورها، مجله حقوقی بین‌المللی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹.
۱۳. کاشانی، جواد (۱۳۸۹). منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۴. کاشانی، سیدصادق (۱۳۸۸). توسعه میدان نفت و گاز: ساختارها و رویکردهای اجرای پروژه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۱۵. نوازی، بهرام و احسان نجومی (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷)، الگوی حقوقی برداشت از مخازن مشترک هیدروکربوری خلیج فارس، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۸-۲۴۷.

منابع لاتین

16. Aegean Sea Continental Shelf Case (Greece V. Turkey), Request for the Indication of Interim Measure Protection, ICJ Order 11 Septemer 1976, ICJ Rebert,3
17. Agreement Between Qatar and Abu Dhabi on settlement of Maritime Boundaries and Owner Ship of Island Available at: